

در جست و جوی هویتی نو

ادبیات معاصر کودک و نوجوان آلبانی

O نوشته: کلارا کودرا
O ترجمه: شقایق قندهاری
O منبع: ۲۰۰۲ - Bookbird

رمان بلوشی واقع‌گرا به حساب می‌آید.

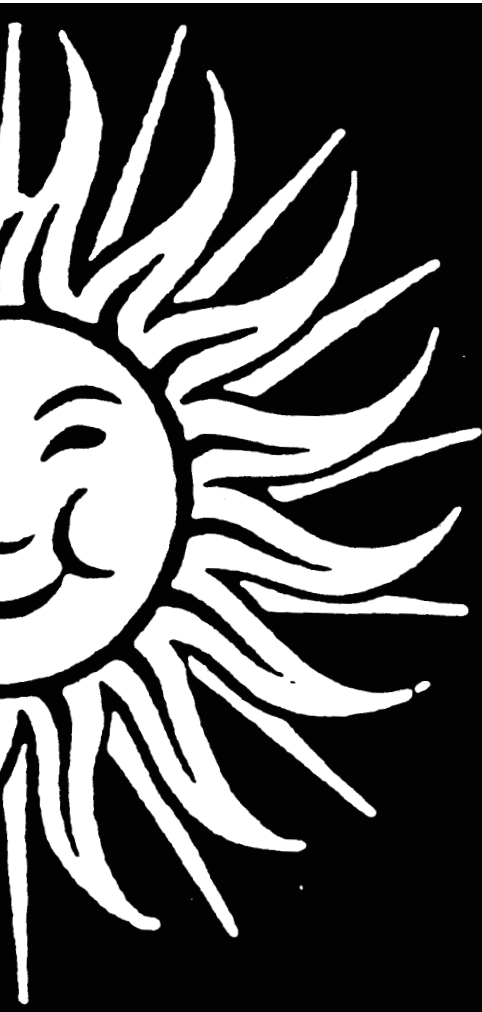
البته اغلب این آثار، تحت تاثیر ایدئولوژی و ابعاد آن نوشته شده است. این امر در خصوص نویسندگان مطرحی چون «دریتر و آگولی»^۱ و «اسماعیل کاداری»^۲ که در شکوفایی ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، نقش به‌سزایی داشتند هم صدق می‌کند. از آثار آگولی می‌توان به «گزیده اشعار» و «ده چشم» (چاپ خانه نشر نائیم فراشری) و «شاهزاده آرچیرو»، اثر کاداری اشاره کرد. با این حال، مباحث ایدئولوژیک، کمابیش در ادبیات کودک و نوجوان هم حضور داشت؛ به طوری که از میزان طراوت و تازگی و جذابیت فانتزی و تخیل اثر می‌کاست و به طبع، حال و هوای آرمانی و غیرواقعی از واقعیت موجود، به پایان عموماً خوش آثار می‌بخشید. هم‌چنین، بدین شکل نگرش «جنگ طبقاتی» را با غلو کردن روی شخصیت‌های منفی اثر، تحت عنوان «دشمن طبقاتی»، در ذهن و روح خواننده پرورش می‌داد. با وجود این، در برخی آثار ایدئولوژیک هم جوهره ذات انسانی و درک و دریافت دنیای کودکان، پوسته صدف ایدئولوژی را در تضاد ذاتی با واقع‌گرایی و اصول خشک و متعصبانه، شکسته است! نمونه‌ای از این موارد را می‌توان در «سفر خطرناک» و «کودکان آپارتمان من»، نوشته «پدري دژا»^۳ مشاهده کرد. در طول چند سال اخیر، ادبیات کودک و نوجوان کشور آلبانی، در جهت خلاقیت و ابتکار و کشف بسترهای جدید، در فضای آزادی الهام‌بخشی که ارمغان دموکراسی است، گام‌های مثبت و مؤثری برداشته است. از سوی دیگر، این ادبیات، عمیقاً در پی کشف و دستیابی به ریشه‌های خود است. این ریشه‌ها در خاک سنت گسترده است و رشد و رونق آن را حتی دیکتاتوری هم نتوانست متوقف سازد. در این‌جا می‌توان شرایط را با مثال زدن یک درخت رو به رشد، بهتر توصیف کرد: ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، در حین گسترش شاخ و برگ‌های خود، روز به روز با ریشه‌های خود، به درون خاک افسانه‌ها نفوذ می‌کند و در همین حال، از ارزش‌های سنتی وفاداری، شجاعت، خویشتن‌داری، شعور و آگاهی و انواع و اقسام عناصر و اجزای فانتزی و تخیلی آن بهره می‌جوید. درواقع، بسیاری از نویسندگان حوزه کودک و نوجوان این کشور، به طور متمرکز در این گونه ادبی (فانتزی - تخیلی) کار می‌کنند؛ گونه‌ای که قدیمی‌ترین گونه ادبی آلبانی به حساب می‌آید و در همان حال، به دریافتی که کودکان از واقعیت و دنیای نامحدود فانتزی و تخیلی دارند، بسیار نزدیک است.

به اعتقاد ساختارگرایانی هم‌چون «ولادیمیر پروپ»^۴، در کتاب «ساختارشناسی افسانه‌ها»، فانتزی «متغیرهای ثابتی» دارد که در شرایط و شخصیت‌های خاصی تکرار می‌شود. اما به واقع، همین مطالعات هم حضور

در کشور آلبانی، ادبیات

به شکلی نامعمول و غریب رشد و رونق یافته است و از آن‌جایی که قصد داشت با کارکردی زیباشناختی، مخاطبان عام را مدنظر خود قرار دهد، با تأخیر بسیار توانست ادبیات ملی این کشور را شکل دهد. با این حال، در بسیاری از موارد، ادبیات آلبانی خود را به سطح ادبیات اروپا رسانده و در این مسیر، گام‌های پیشین ترقی و پیشرفت خود را به فراموشی سپرده است. درحقیقت، ادبیات کودک و نوجوان آلبانی نیز همین مسیر نامتعارف و غیرمعمول را برای رشد و شکوفایی خود طی کرده است. ادبیات کودک و نوجوان کشور آلبانی، بسیار دیرتر از سایر کشورهای اروپایی و در قرن نوزدهم، پا به عرصه حیات گذاشت. آغاز شکل‌گیری آن با گونه‌های ادبی نسبتاً فرعی، هم‌چون افسانه‌ها، اشعار آموزشی کوتاه و روایت‌های ادبی ساده دیگری همراه بود. شکوفایی و رونق اصلی ادبیات کودک و نوجوان کشور آلبانی، در نیمه دوم قرن بیستم، زمانی که شهید ارزشمند ادبیات عامیانه و افسانه‌های آلبانی استخراج و میراث ادبی قرن نوزدهم، به عنوان بخشی از گرایش ملی روشنفکری تثبیت شد، تحقق یافت. در این دوران، افسانه‌ها و قصه‌های کهن، با بازآفرینی خلاق و هنری بدیعی بار دیگر پدیدار شد و با عناصر و اجزای رمان درهم‌آمیخت. پس از آن، گونه‌های مختلف رمان کودک و نوجوان شکل گرفت؛ رمان‌های واقع‌گرای معاصر، رمان‌هایی که براساس افسانه‌های کهن نوشته شد، رمان تاریخی، رمان‌های علمی - تخیلی و حتی رمان‌های طنز. شعر کودک و نوجوان نیز با الهام از افسانه‌های عامیانه و شفاهی غنی و عمیق، قصه‌ها و اشعار عامیانه شفاهی در قالب‌گونه‌های ادبی مختلفی هم‌چون حماسه و حتی ژانرهای جدید و خلاق ظاهر شد.

نکته بسیار عجیب این است که ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، در دوران بحران و دیکتاتوری مستبدانه شکوفا شد! با در نظر گرفتن این شرایط و محدودیت‌ها، این آثار و کتاب‌ها در بیابان قوانین خشک و متعصبانه رئالیسم سوسیالیستی (واقع‌گرایی اجتماعی)، به مفر و راهکاری مبدل شد که از افتادن آثار در دام‌های ایدئولوژیک، نوشتن از گذشته و یا آینده، جلوگیری کرد و نویسندگان را نسبت به موقعیت زمان حال خود هشیار ساخت. البته باید اشاره کنیم که خود نویسندگان هم از این موقعیت به خوبی بهره بردند. موقعیت‌های شاخص این دوران، شامل داستان‌های «ناثوم پریفیتی»^۵، اشعار «اودیس گریلو»^۶، «آدلینا ماماکی»^۷، «تسیم ژوکوتاج»^۸، رمان‌هایی نظیر «سه‌گانه کوفو»، اثر «گاکو بوشوکا»^۹، «بن به تنهایی راه می‌رود»، اثر «کیکو بلوشی»^{۱۰} است که رمان بوشاکو فانتزی و



شخصیت‌های کودک، اثر بسیار زنده و پویا شده‌اند. در این رمان‌ها، دنیای تخیل و واقعیت با هم پیوند خورده است و شخصیت‌های اصلی آثار، با پشت سر گذاشتن مراحل و کسب تجربه‌هایی، به بلوغ و کمال می‌رسند. اگرچه کودکان نمی‌توانند تمام زوایا و ظرایف روان‌شناختی اثر را درک کنند، نویسنده دنیای درونی آن‌ها را با خیال و رؤیایپردازی‌های مرسوم و رایج آن‌ها به تصویر می‌کشد. یکی دیگر از رمان‌های افسانه‌های ارزشمند، ماجراهای گبروز و ارامیل» نوشته «استاوری پون»^{۱۳} است که در آن، یکی از قهرمان‌های مطرح مردمی افسانه‌ها به نام «گبروز»، در شکل و شمایل، تازه توصیف و ترسیم شده است. طی سال‌های اخیر، گونه ادبی «قصه» هم پیشرفت و تحولاتی مثبت داشته است. این گونه ادبی که قدمتی به قدر خود ادبیات کودک و نوجوان آلبانی دارد، با بازنگری در مفاهیم نهفته در سوژه‌های بکر، شرایط و فضای اثر و بهره‌گیری از مفاهیم

فلسفی، بسیار غنی و ارزشمند شده و «فریت لاماژ»^{۱۴} در «۲۰۲ قصه، هنر و خلاقیت بالای خود را نمایان ساخته است. البته، باید بگوییم که همه قصه‌های او در یک سطح نیست و تمام آن‌ها نیز برای کودکان نوشته شده است.

اگرچه عصر دیکتاتوری، خلق و نگارش آثار تمثیلی، حکایت و داستان‌های تخیلی را مورد حمایت و تشویق قرار داد، عصر دموکراسی و بازار کتاب، توجه خود را معطوف خواسته‌ها و علایق رایج و مشکلات متداول و کنونی جامعه کرده و در این راستا، گونه‌های ادبی مدرن‌تری هم‌پا به عرصه حیات گذاشته است.

گونه ادبی داستان‌های علمی-تخیلی هنوز به قدر کافی مورد توجه قرار نگرفته، با این حال، آن طور که از آثار نویسندگان برمی‌آید، ظرفیت کار در این حیطه، بسیار بالاست و نویسندگانی چون «استریت بیشکمی»^{۱۵} یکی از نویسندگان موفق و مستعد این حوزه به حساب می‌آید.

در طول چند سال گذشته، شعر کودک، در قالب‌ها و گونه‌های ادبی متنوعی شکوفا شده، اما درحقیقت، بازار نشر اشعار وزین و سنگین را با اشعار منظوم و مقفی ترکیب کرده است. در میان شعرای کودک و نوجوان دهه ۱۹۹۰، به ترکیب جالبی از نویسندگان نسل قدیم و جدید، نویسندگان حرفه‌ای این حوزه و نیز نویسندگانی که در حوزه بزرگسال هم فعال می‌باشند، برمی‌خوریم که از این میان، می‌توان به «لونی پاپا»^{۱۶}، «موسا ویشکا»^{۱۷} «حمدی میسی»^{۱۸} و... اشاره کرد. گونه‌های ادبی اصلی که طرف چند سال اخیر مورد توجه شاعران بوده، اشعار طنز، اشعار افسانه‌ای و قصه‌های منظوم

متغیرهای متفاوت و تغییرپذیر را تأیید می‌کند. درحقیقت، دامنه خلاقیت و ابتکار آدمی بسیار گسترده و نامحدوده است؛ به طوری که مثلاً می‌تواند در یک افسانه از حضور عنصری چون اسکلت، به شکل دلخواه خود استفاده کند و آن را در قالب موردنظر خود به تصویر بکشد و البته، طبیعی است که هر نویسنده‌ای که در حوزه تخیلی و فانتزی می‌نویسد، اثر را با روش خاص خود خلق می‌کند. برای نمونه، «میرا مکسی»^{۱۹} به سبب فانتزی چشم‌گیر و عمیق آثارش، «سوکول یاکووا»^{۲۰} به دلیل طنز پرمایه‌اش، «شپرسا ورتو»^{۲۱}، به سبب ساده‌نویسی و ارتباط عاطفی‌ای که با بچه‌ها برقرار می‌کند، «نکسمیزه موکا»^{۲۲} به علت دریافت شاعرانه‌اش از وقایع روزانه و «ویرجیل موکا»^{۲۳} برای ترکیب موفق و بدیع فانتزی و واقعیت، مطرح هستند. در آثار نویسندگانی چون مکسی، پاپا، ورتو و موکا ردپایی از سبک غنایی دیده می‌شود. البته برخی از نویسندگان جوان هم مثل «ادلیرا راما»^{۲۴} توجه خاصی به این سبک دارند. ادلیرا راما، در طول پنج سال گذشته، چهار مجموعه افسانه نوشته که در همه آن‌ها خلاقیت و ابتکار مورد استفاده نویسنده، در جهت خطاب کردن احساسات خود کودک به کار رفته است.

یکی دیگر از کليدهای راهیابی به دنیای کودکان، طنز است که سوکول یاکووا، به صورت شگفت‌انگیز و جذابی از این عنصر، در آثار خود بهره برده است. این نویسنده آلبانیایی، با استفاده از گنجینه طنزهای عامیانه و مردمی، گونه ادبی افسانه را به شکل‌های مختلفی آزموده است و در زمینه افسانه، آثار مختلفی خلق کرده است. طنز نسبتاً ملایم و شادی بر فضای افسانه‌های «جورگی کودرا»^{۲۵} حاکم است که مصداق بارز آن را می‌توان در افسانه‌ها و مجموعه داستان‌های کوتاهی که از وی در سال ۱۹۹۹ منتشر شد، مشاهده کرد؛ مثل «پسری که از زمان غافل بود» و «واژگان یک هفته‌ای».

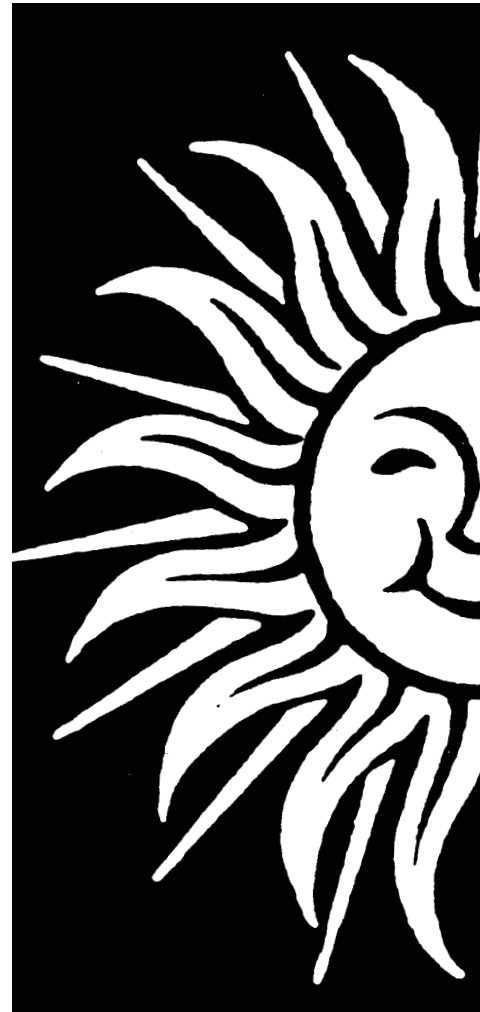
در طول چند سال گذشته، منظومه‌ها و اشعار عامیانه توانسته حتی نویسندگانی مثل «الان شاپلو»^{۲۶} را که به طور معمول برای مخاطبان بزرگسال می‌نویسد، چنان تحت‌تأثیر قرار دهد که مرزهای مرسوم و رایج گونه‌های ادبی را بشکند؛ به طوری که با پیوند نثر روایی و نظم، افسانه لطیف و گیرایی مثل «دختری که زبان پرندگان را می‌دانست» خلق کند.

درواقع، دیده شده که وضعیتی شبیه به وضعیت افسانه، برای رمان هم رخ داده، بدین شکل که گونه ادبی رمان هم شاهد تکامل و رشد بوده و در مواردی افسانه‌ها با ماهیت موجز و کوتاه خود، با رمان که ماهیتی مفصل و پیچ در پیچ دارد، درهم آمیخته و به عبارتی، گونه ادبی کهن افسانه با گونه ادبی نسبتاً مدرن رمان ترکیب شده است. گونه ادبی جدیدی که با این تلفیق خلق شد، در دوره حکومت کمونیستی، توسط گاکو بوشاکا خلق شد.

این نویسنده با آثار خود، شخصیتی به نام «کافوی خوک» را به کودکان معرفی کرد؛ شخصیت جذابی که تمام خصوصیات کودکی بدقلق و شیطان را با ویژگی‌های شهامت، خلاقیت و قلبی مهربان ترکیب کرد. بوشاکو در یکی از رمان‌های افسانه‌ای خود، بار دیگر این شخصیت را زنده ساخته است. این اثر جدید، به سبب قالب و ساختار ویژه‌اش، عدم استفاده از سوژه تکراری و روایت تکه تکه اثر، به طوری که تعابیر و برداشت‌های متفاوت خوانندگان را به همراه دارد، کاملاً متمایز و موفق است.

اما در عوض، رمان افسانه‌ای «ماجرایهای میروش شجاع»، نوشته سوکول یاکووا، ساختار و چارچوب‌بندی بسته و محدودی دارد و با این حال، یکی از بهترین آثار خلق شده در ده سال قبل به‌شمار می‌آید. این اثر، سوژه‌ای کاملاً ملموس و ساختاری پیچیده و مبسوط دارد. درحقیقت، فرآیند کنش اثر، با رشد و تحول شخصیت اصلی داستان هماهنگ و طنزی زنده و با نشاط، بر فضای کلی اثر حاکم است.

اخیراً «بدری دژا» رمان‌های خود («قیام در آپارتمان محله تیرانا» و «سفر خطرناک») را بازنگری و تجدیدچاپ کرده است. در این بازنگری، نویسنده حواشی و اضافات ایدئولوژیکی کار خود را حذف کرده است و بدین ترتیب،



و قصیده بوده است.

البته، رمان هم دستخوش تغییر و تحولات مثبتی شد، اما هنوز جای کار بسیار دارد و به لحاظ مضمون و درون‌مایه، به سطح مناسب و مطلوبی نرسیده است. یکی از زمینه‌های کاوش و تحقیق در ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، برای کسب هویتی جدید، گام برداشتن در حیطه واقع‌گرایی (رئالیسم) است؛ حیطه انتقادی درک نشده‌ای که می‌کوشد حتی‌الامکان و در نهایت صداقت و پابندی، معضلات و مسائل واقعی آلبانی را مورد بررسی قرار دهد. البته، در دوره کمونیسیم هم تلاش‌های چندسویه‌ای برای نفوذ در این حیطه صورت گرفت، اما به هر حال، محدودیت‌ها و تعصبات رئالیسم سوسیالیستی، با واقع‌گرایی سنتی در تضاد و تقابل قرار گرفت. این تقابل، در رمان‌هایی مثل «برف زیاد» و «سال فراموش‌نشده»، نوشته «شپیرسا ورتو»^{۲۵} که به مسائل و معضلات خانواده‌های آلبانیایی تباری که در پی یافتن بینش موجود در روان‌شناسی کودک هستند، دیده می‌شود. تفاوت‌های

جزئی و ظریف واقع‌گرایی، همراه با ذهنیتی بسیار ساده و صمیمی، در دل آثاری مثل «ردپای کودکی» نوشته «مضان پاسماسیو»^{۲۶} قابل دریافت است. بدون شک، رمان‌های «بچه‌های خیابان» اثر «دیمیتیر اکسونی»^{۲۷} و «آن‌ها به دنبال خوشبختی بودند»، نوشته «ویکتور کانوسیناج»^{۲۸}، در ردیف آثار واقع‌گرا جای می‌گیرد. در رمانی که اکسونی نوشته، سرگذشت کودکانی که حاضرند برای کسب درآمد، به کارهای خطرناک تن بدهند، ترسیم شده است. رمان کانوسیناج، معضلات و مسائل دردناک مثل بحران‌های خانواده‌های آلبانی، مشکلات مدارس و مسئله مهاجرت را از دیدگاه یک کودک به تصویر می‌کشد. اگرچه پی‌رنگ این رمان بسیار جذاب و پرکشش است و سبک نگارش نویسنده، صمیمیت خاصی دارد، متأسفانه این رمان، از تمهیدهایی مثل امداد غیبی و معجزه سودجسته که تا حد زیادی روند حوادث را مصنوعی جلوه می‌دهد. رمان «مری پل»، اثر همین نویسنده، از ساختار ادبی و هنری مستحکم‌تری برخوردار است. شخصیت اصلی این رمان، نوجوانی است که مجبور می‌شود پس از درگذشت مادر، اداره امور خانواده را در دست بگیرد. بدین شکل، فرهنگ خانوادگی و مسائل اخلاقی خانواده‌های آلبانی، در این کتاب ترسیم شده است.

در حال حاضر، رمان تاریخی، از ظرفیت‌های نهان و بسته فراهم شده خود، به طور مناسبی بهره نمی‌گیرد، با این حال، در وضعیت کنونی زمینه مناسبی برای پرهیز از فشارهای ایدئولوژیک و احیای ارزش‌های زیباشناختی فراهم شده است. البته، باید بگوییم که آثار «عقیف مالاچ»^{۲۹}، در رونق رمان‌های تاریخی، از دوره کمونیسیم تاکنون، بسیار مؤثر بوده است. مدتی

است که این نویسنده، برای گروه سنی بزرگسالان رمان تاریخی می‌نویسد، اما بعید نیست که باز هم به سراغ کودکان و نوجوانان بیاید. به تازگی، «ناناز پیلافا»،^{۳۰} روی مجموعه ده رمان نوجوان کار می‌کند که تاکنون دو جلد از این مجموعه، با عناوین «روایه‌های بزرگ» و «چطور رابینسون شدم» منتشر شده و طراوت و تازگی خاصی به ادبیات کودک و نوجوان کشور آلبانی بخشیده است.

در مجموع، وضعیت ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، از برتری و فراوانی گونه‌های ادبی سنتی، نظیر افسانه و قصه حکایت دارد که در واقع، وجود چنین فضایی به طور عمد، جلوی برخی از اهداف واقع‌بینی اجتماعی را می‌گرفت و البته همین موضوع، در جلب توجه نویسندگان به سوی ریشه‌های ادبی ادبیات عامیانه، نقش دارد. با وجود شرایط غریب و ناشناخته حاکم، بستر مناسبی برای آزمودن گونه‌های شعری جدید، نقد واقع‌گرایانه در رمان، ظهور ادبیات علمی-تخیلی و حتی رمان‌های تاریخی که تازه پا گرفته، به وجود آمده است. با این حساب، می‌توان گفت که ادبیات کودک و نوجوان آلبانی، در این دوره گذار، هم‌چون پرنده‌ای است که بال‌های خود را گشوده و آماده پرواز است. افق‌های جدید و بدیع بینش‌ها، قالب‌ها و ذهنیت‌ها هم‌چنان گسترده است و امتداد خواهد یافت. تا روزی فرارسد که دامنه‌ها و ابعاد مختلف این حوزه، شاهد رشد، تکامل و موفقیت‌های برتر خود باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Naum Prifti
- ۲- Odise Grillo
- ۳- Adalina Mamaqi
- ۴- Tasim Gjokutaj
- ۵- Gago Bushaka
- ۶- Kico Blushi
- ۷- Dritero Agolli
- ۸- Ismail Kadare
- ۹- Bedri Dedja
- ۱۰- Vladimir Propp
- ۱۱- Mira Meksi
- ۱۲- Sokol Jakova
- ۱۳- shpresa Vreto
- ۱۴- Nexh mije Muca
- ۱۵- Virgjil Muca
- ۱۶- Edlira Rama
- ۱۷- Jorgji Kodra
- ۱۸- Dalan shaplo
- ۱۹- Stavri Pone
- ۲۰- Ferit Lamaj
- ۲۱- Astrit Bishqemi
- ۲۲- Loni Papa
- ۲۳- Musa Vyshka
- ۲۴- Hamdi Mece
- ۲۵- Shpresa Vretu
- ۲۶- Ramadan Pasmaci
- ۲۷- Dhimiter Xhuvani
- ۲۸- Viktor Canosinaj
- ۲۹- Aqif Malaj
- ۳۰- Thanas Pilafa

